



بررسی مردم شناسانه نخل گردانی در بزرگ داشت امام حسین (ع) شهرستان مهریز، استان یزد

پدیدآورده (ها) : دشتکی، گیتی

ادیان، مذاهب و عرفان :: هفت آسمان :: بهار و تابستان 1394، سال هفدهم - شماره 65
از 53 تا 76

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1121735>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 08/10/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

بررسی مردم‌شناسانه نخل‌گردانی در بزرگداشت امام حسین (ع)

شهرستان مهریز، استان یزد

گیتی دشتکی*

چکیده

در این مقاله نگارنده در پی دستیابی به اطلاعات مردم‌شناختی نخل‌گردانی است. بدین‌منظور ضمن مراجعه به کتب و اسناد، و حضور مستقیم در میدان تحقیق (شهرستان مهریز استان یزد) از طریق مشاهده مستقیم مشارکتی در مراسم نخل‌برداری، از نزدیک شاهد رفتارها و کنش‌های مردم در این روز بوده است. روشی که از آن بهره برده ژرفانگر است. همچنین، ضمن بررسی نخل و نخل‌برداری در شهرستان مهریز به صورت میدانی، از ابزاری چون کاغذ، قلم، دوربین عکاسی و فیلم‌برداری، مصاحبه و مشاهده نیز استفاده کرده است. مقاله حاضر می‌کوشد اطلاعات مردم‌شناختی در خصوص نخل، که نمادی از تابوت امام حسین (ع) است، و نخل‌برداری را در شهرستان مهریز نشان دهد و تحلیلی از چیستی نخل‌برداری به دست دهد. در نهایت نتایج نشان داد که نخل نماد شیئی مقدس، یعنی تابوت امام حسین (ع)، است، که مردم در پای آن راز و نیاز می‌کنند و از خدای خود و امامشان به واسطه نخل تقاضای برآورده‌شدن حاجاتشان را دارند. این مراسم نیز، مانند بسیاری از عزاداری‌های آیینی، هم نوعی اعلام عزّا و ماتم در پی به شهادت رسیدن امام حسین (ع) و همراهی با ایشان و حمایت از آن حضرت است و هم نوعی مراسم برکت‌خواهی.

کلیدواژه‌ها: مردم‌شناسی، عزاداری، نخل، نخل‌برداری، امام حسین (ع).

مقدمه

نام نخل و خرما در بسیاری از آیات آسمانی و روایات آمده است. از جمله: «هُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقُطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا» (مریم: ۲۵)؛ «و تنه درخت خرما را به طرف خود بگیر و بتکان تا بر تو خرمای تازه فرو ریزد». «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ النَّخْلِ قَنَاطٍ دَانِيَةٍ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انْظُرُوا إِلَيْهِ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (انعام: ۹۹)؛ «اوست خدایی که از آسمان باران فرستاد و بدان باران هر گونه نباتی را رویانید، و از آن نبات ساقهای سبز و از آن دانه‌هایی بر یکدیگر چیده و نیز از جوانه‌های نخل خوشه‌هایی سر فروهشته پدید آورد، و نیز بستان‌هایی از تاک‌ها و زیتون و انار، همانند و ناهمانند. به میوه‌هایش آنگاه که پدید می‌آیند و آنگاه که می‌رسند بنگرید که در آنها عبرت‌ها است برای آنان که ایمان می‌آورند».

درخت نخل، طبق آثار برجای مانده از پیشینیان، همواره همراه مفاهیمی چون برکت الاهی، سلامتی، تندرستی و صلح آمده است. برای فهم پیشینه مراسم نخل برداری و چرایی نام آن، که برگرفته از نخل است، باید به تاریخ مراجعه کنیم. زیرا فقط در این صورت است که می‌توان به شیوه پیدایش آنها در طول زمان پی برد. فقط تاریخ است که برای تعیین علل پیدایش هر یک از اجزای آیین، با قراردادن هر یک از آنها در مجموعه اوضاع و احوالی که در آن پدید آمده‌اند، وسیله مناسب را در اختیار ما قرار می‌دهد تا ببینیم چگونه آن چیز اندک‌اندک به مرحله‌ای که در لحظه مشاهده‌اش می‌بینیم رسیده است. با توجه به تاریخ است که می‌توان دید بسیاری از عادات و رفتارهای جمعی انسان‌ها در واقع از دین سرچشمه گرفته است. نه بدین دلیل که بگوییم بسیاری از اعمال و رفتارها، بدوی‌اند، بلکه بدین سبب که با مراجعه به پیشینه می‌توان وسیله‌ای برای تشخیص و تمیز علت‌های همواره حاضری که ذاتی‌ترین صور اندیشه و عمل دینی تابع آنها است، یافت.

بدیهی است که دین به افکار انسان غنا بخشید. بشر بسیاری از شناخت‌های اکتسابی‌اش درباره جهان هستی را به واسطه دین به دست آورد و شاید بتوان گفت دین صورت و قالب این شناسایی‌ها را به وجود آورد. در همه آیین‌های پرستشی و دینی، به تعدادی تصورات بنیادی، و مراسم و مناسک دینی برمی‌خوریم که به رغم تفاوت در

ظاهر آنها، همگی معنای یکسانی دارند و نقش‌های واحدی را ایفا می‌کنند. مسلماً نه توزیع اندیشه دینی در بین توده‌های مردم معتقد به آنها یکسان است و نه شیوه عمل کردن به باورهای دینی. بسته به نوع افراد، محیط‌ها و اوضاع و احوال، باورها و مناسک دینی به شیوه‌های متفاوتی احساس و اعمال می‌شوند. اما اغلب مشابه هم‌اند.

در ایام محرم هر سال در مناطق مختلف ایران و بسیاری از مناطق شیعه‌نشین شاهد برپایی مراسم عزاداری برای سرور شهیدان و امام سوم شیعیان، امام حسین (ع)، هستیم. عزاداری‌ها در هر ناحیه‌ای به شکلی خاص خود به اجرا درمی‌آید. از جمله در شهرستان مهریز از استان یزد که عزاداری محرم به گونه‌ای خاص برپا می‌شود و شاید بتوان نقطه اوج و پایان آن را نخل‌برداری دانست.

۱. موقعیت جغرافیایی شهرستان مهریز

شهرستان مهریز، در جنوب استان یزد، در سی کیلومتری شهر یزد و در کنار جاده استراتژیک تهران - بندرعباس (یزد - کرمان) قرار دارد. این شهرستان از سمت شمال به بخش مرکزی شهرستان یزد، از سمت شرق به بخش مرکزی شهرستان بافق و بخش مرکزی شهرستان شهربابک از استان کرمان، از سمت جنوب به شهرستان خاتم و سیرجان و از سمت غرب به بخش نیّر و شهرستان‌های ابرکوه و تفت محدود است (قاضی‌نسب، ۱۳۸۵: ۳۳).

ادامه ارتفاعات شیرکوه در بخش غربی این شهرستان موجب تشکیل سفره‌های غنی آب زیرزمینی و تعدیل هوای آن نسبت به دیگر نقاط استان یزد شده است. این شهرستان دارای یک بخش مرکزی و پنج دهستان به اسامی ارنان، بهادران، تنگ‌چنار، میان‌کوه و خورمیز و ۴۶۸ آبادی است. ۴۳ روستای بخش مرکزی دارای شورای اسلامی و دهیاری مصوب هستند (همان: ۳۴). تاریخ بنای مهریز و اطراف آن مربوط به پیش از اسلام است. بنای مهریز را به مهرنگار، دختر انوشیروان، نسبت داده‌اند. آب و هوای مهریز در بخش کوهستانی از نوع آب و هوای کوهستانی نیمه‌خشک است که نسبت به یزد اعتدال بیشتری دارد، اما در محل دشت خشک و بیابانی است (همان: ۴۵). به طور کلی، منابع آب مهریز به دو صورت تأمین می‌شود؛ آب‌های جاری (چشمه) و آب‌های زیرزمینی (چاه و قنات) (همان: ۴۸).

شهرستان مهریز با داشتن آب و هوای مناسب موقعیت بسیار خوبی برای کشت انواع محصولات باغی و زراعی از قبیل پسته، گردو، بادام، انجیر، آلو، زردآلو، گندم و جو فراهم آورده است. ضمن اینکه این شهرستان یکی از مهم‌ترین مراکز کشت پسته با بیشترین میزان در استان تلقی می‌شود. مرکز شهرستان مهریز «شهر مهریز» است. این شهرستان تا قبل از سال ۱۳۵۸ یکی از بخش‌های شهرستان یزد بوده که در این سال وزارت کشور آن را به شهرستان تبدیل کرد (همان: ۳۳).

۲. نخل و جایگاه آن در اندیشه ایرانیان

نام نخل تداعی گر نام درختی است که از گذشته‌های دور نزد ایرانیان، به‌خصوص مردم نواحی کویری، تقدس و احترام خاصی داشته است. می‌توان از خلال نقوش به‌دست‌آمده روی ظروف سنگی یا سفالین، تابوت‌های سفالین دوران اشکانی و همچنین مهرها، از جمله مهر داریوش و نیز ظروف به‌دست‌آمده در منطقه جیرفت استان کرمان، که در کاوش‌های باستان‌شناسی یا از طریق قاچاقچیان به دست آمده، این جایگاه را دریافت.

در *نزهة القلوب* درباره درخت خرما چنین آمده است: «درخت نخل شجر مبارک است و به آدمی نیک ماند به طول و راستی قد و امتیاز ذکر و انثی و بوی طلع که به مشیمه ماند و لیف که به موی آدمی می‌ماند و آنکه ماده که نزدیک بود فعل پیش خواهد و آنکه بر همدیگر عاشق شوند و این همه صفات آدمی است» (مستوفی قزوینی، ۱۳۳۶: مرتبه دوم: نباتات). در دهخدا نیز آمده است: «نخل درختچه‌ای است از تیره خرما که در نقاط گرمسیر جنوبی ایران به طور وحشی یافت می‌شود» (دهخدا، ۱۳۶۴: ذیل واژه «نخل»).

نخل در مصر درخت تقویم بوده است. زیرا در هر ماه، صاحب یک برگ جدید می‌شود و در تخت جمشید نماد برکت به حساب می‌آمده است. در استان یزد، از جمله شهرستان مهریز، نام نخل (به زبان محلی نقل nagh) بر روی سازه‌ای از چوب نهاده شده، که آن را در ایام محرم تزئین می‌کنند و در روزهای عاشورا و اربعین بلندش کرده و به دور حسینیه، محله یا میدان می‌گردانند. بلوک‌باشی، در کتاب *نخل گردانی*؛ نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان، درباره نخل می‌گوید: «نخل در لغت به معنای

درخت خرما یا خرما بن و مجازاً به معنای هر درخت و نیز درختچه‌ای مومی و تزئینی است. در تداول عام کنایه از قد و قامت بالا و نام تابوت‌واره ای است که در عزای امام حسین (ع)، به‌ویژه در روز عاشورا، بر دوش می‌کشند و در دسته‌های عزاداری می‌گردانند» (بلوک‌باشی، ۱۳۸۰: ۴۱).

دهخدا در لغت‌نامه خود درباره نخل چنین می‌گوید:

نخل همان درخت خرماسته حجله‌مانندی است که از چوب می‌سازند و با انواع شال‌های ابریشمین رنگارنگ و پارچه‌های قیمتی و چراغ و غیره آرایش می‌دهند و به گل و سبزه می‌آیند و در روز عاشورا آن را به محلی که مراسم روضه‌خوانی و تعزیه برپا است می‌برند. بزرگی و سنگینی این نخل‌ها گاهی چنان است که چند صد نفر مرد قوی باید آن را از زمین بردارند و بر دوش گیرند و حمل کنند. چون شبیه به درخت خرما ساخته می‌شود به آن نخل گفته شده» (دهخدا، ۱۳۶۴: ج ۱۳، ذیل واژه نخل).

نخل را چون برای عزاداری در محرم می‌بندند و می‌آیند «نخل محرم»، و چون از اسباب عزاداری ویژه عاشورای حسینی است و در روز عاشورا آن را بلند می‌کنند و می‌گردانند، «نخل عاشورا» نامیده‌اند. به سبب کاربرد نخل در مراسم سوگ شهیدان دین و مرگ ناکام و به هنگام مراسم عزای ماتم، آن را (نخل عزای ماتم) هم نامیده‌اند. در فرهنگ‌نامه‌های فارسی در سبب نام‌گذاری نخل بر این دستگاه توضیح‌های گوناگونی آمده است (همان: ۴۳).

۳. پیشینه‌ای از نخل گردانی

وجود نخل گردانی در دوره اسلامی، و نیز در عهد صفوی، زندیان و قاجاریان را از میان گزارش‌هایی که در سفرنامه‌های جهانگردانی چون هانری دالمانی، پیترو دلاواله ایتالیایی، که در دوره شاه‌عباس اول به ایران سفر کرد، آدام اولئاریوس، ژان باتیست تاورنیه، ویلیام فرانکلین و ... منعکس شده، می‌توان دریافت. مراجعه به سفرنامه‌های گردشگران خارجی، که از دوران صفویان وارد ایران شدند و مشاهده گزارش‌های ایشان در خصوص برپایی مراسم گوناگون از جمله برپایی عزاداری‌های ایام محرم و گرداندن تابوت‌واره‌ها، که نشانگر وجود این مراسم حتی در آن زمان است، بیانگر

اعتقادات و باورهای ایرانیان و روشن‌کننده یا مشخص‌کننده روحیات و طرز تفکر توده مردم آن عهد است.

از نوشته‌های ابن جوزی در کتاب *المنتظم*، که به بیان وقایع سال ۴۲۵ ه.ق. در خصوص حمل منجیق در میان شیعیان محله کرخ بغداد به هنگام رفتن به زیارت امیر مؤمنان (ع) و امام حسین (ع) و حمل دستگاه‌های آرایه‌بندی و طلاکاری‌شده به نام منجیق پرداخته، می‌توان دریافت که نخل‌برداری پیش از دوره صفویان نیز در میان شیعیان انجام می‌شده است. در دوره صفوی، با ورود اولین گردشگران خارجی به ایران اولین گزارش‌ها درباره رسوم مختلف از جمله عزاداری‌ها شامل شبیه‌گردانی و حمل صندوق‌ها، ضریح‌ها و عماری‌ها در دسته‌های عزا در سفرنامه‌های ایشان آورده شده است. از جمله پیتر و دلاواله جهانگرد، که دو بار شاهد حرکت دسته‌های عزا در دوره شاه‌عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ه.ق.) در اصفهان بوده است (بلوک‌باشی، ۱۳۸۰: ۱۶). وی این تابوت‌ها را نمادی از تابوت حضرت علی (ع) می‌داند (دلاواله، ۱۳۴۸: ۸۶).

منشی هیئت نمایندگی امپراتور آلمان اولتاروس نیز در سال ۱۰۴۷ ه.ق. در زمان سلطنت شاه‌صفی صفوی شاهد گرداندن نخل در اردبیل بوده است. وی نخل را دستگاهی چوبی به شکل برج مدور توصیف می‌کند و می‌نویسد بر آن چهار قبضه شمشیر فرو کرده بودند که به سبب زیادبودن اشیای تزئینی دیدن آنها دشوار می‌نمود (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۷۵).

در زمان جلوس کریم‌خان زند، سیاحان بی‌شماری به ایران سفر کرده‌اند. بسیاری از این سیاحان در سفرنامه‌های خود همراه با شرح و وصف آداب و رسوم ایرانیان مطالبی هم درباره سنت‌های مذهبی مردم نوشته‌اند و به تابوت یا شبیه‌گردانی نیز اشاره کرده‌اند. ویلیام فرانکلین، خاورشناس و افسر ارتش انگلیس، که در اواخر دوره زندیه و در سال‌های (۱۷۸۶-۱۷۸۷ م. / ۱۲۰۰-۱۲۰۲ ه.ق.) از کلکته هندوستان به سرزمین ایران آمده بود، از آیین سوگواری مردم در ماه محرم در شیراز می‌نویسد (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۷۳).

جیمز موریه از سفرش به ایران دو گزارش دارد. در اولین سفرنامه خود مربوط به سال‌های (۱۸۰۸-۱۸۰۹ م. / ۱۲۲۵-۱۲۳۰ ه.ق.) درباره مراسم عزاداری شیعیان ایران و گروهی از شیعیان هند در شهر تهران و مراسم تعزیه‌خوانی یا شبیه‌خوانی تهرانی‌ها در دوره فتح‌علی‌شاه چنین می‌نویسد: «ضریح آذین‌بسته کوچکی که در آن قبر امام را به نمایش

گذاشته بودند، در محل نمایش قرار داشت» (موریه، به نقل از: بلوک‌باشی، ۱۳۸۰: ۱۹۴). در سفرنامه دومش در وصف چگونگی مراسم عاشورا به یک محمل شبیه تابوت یا ضریح مزین به گوهر و سنگ‌های گران‌بها که آن را (قبر پیغمبر) می‌نامیدند، اشاره می‌کند و می‌نویسد: «هشت تن مرد، این ضریح را، که اطرافش با شال‌های کشمیری پوشیده شده بود، روی شانه‌هایشان در دسته‌های عزای روز عاشورا حمل می‌کردند. بر نوک سر ضریح دستاری قرار داشت که مظهر عمامه پیغمبر بود» (موریه، به نقل از: همان: ۱۸۰).

«در اوایل مشروطیت، دسته‌های محله‌های مختلف تهران در شب‌های ایام عزاداری با بیرق و علم و علامت‌های مذهبی و طبق‌های حاوی چراغ و گل و گلاب و مشعل و فانوس به محله‌های دیگر می‌رفتند و از هم دید و بازدید می‌کردند. در دید و بازدید دسته‌ها، مردم محل علامت‌های دسته میهمان را گل‌ریزان می‌کردند و گلاب به سر و روی عزاداران می‌افشاندند و آنها را به پاتومحله در تکیه می‌بردند. در تکیه، بزرگان و لوطی‌ها و داش‌مندی‌های محله‌ها در طاق‌نمای تکیه می‌نشستند و جوانان و به اصطلاح «چغاله‌مندی‌های دو محل با هم سینه‌زنی و نوحه‌خوانی می‌کردند. سرانجام، به هنگام بازگشت دسته میهمان، میزبانان آنها را تا مرز خروجی محله مشایعت می‌کردند» (همان: ۲۱).

امروزه نیز به شیوه قدیم، در ایام عزاداری، همچون دهه اول محرم و اربعین حسینی (۲۰ صفر)، و در برخی شهرها در روز رحلت حضرت رسول (ص) و شهادت امام حسن مجتبی (ع) (۲۸ صفر) و روز قتل حضرت علی (ع) (۲۱ رمضان)، شاهد مراسم عزاداری در شکل‌های سینه‌زنی، زنجیرزنی، و نیز مراسم شبیه‌خوانی، تعزیه‌خوانی، طشت‌گذاری و بنا بر سنت فرهنگی هر شهر و دیار، گرداندن نشان‌های مذهبی مانند علم، بیرق و علامت، توغ، جریده، صندوق‌ها، ضریح یا تابوت‌واره‌ها هستیم. جلال و شکوه هر دسته، به نشان‌ها و علامت‌ها و تابوت‌ها و تعداد و بزرگی آرایه‌های آنها بستگی دارد.

۴. جغرافیای نخل گردانی

نخل گردانی (تابوت گردانی) مرزهای جغرافیای ایران را درنوردیده و علاوه بر آن در کشورهای دیگری نظیر پاکستان، هندوستان، اندونزی (جزیره سوماترا)، عراق (شهر نجف)، و جزائر کارائیب نیز برگزار می‌شود. گرداندن تابوت‌واره‌ها در دسته‌های عزاء،

که هر یک مظهر و نمادی از تابوت شهید به شمار می آید، بیشتر در ایام محرم، به خصوص روز عاشورا، دیده می شود. این «تابوت های نمادین یا تمثیلی به شکل های گوناگون و شبیه صندوق گور، ضریح و گنبد و بارگاه می سازند و در حوزه های جغرافیایی مختلف ایران به نام های نخل، حجله، شیدونه، دغدغه، شش گوشه، نهر علقمه، شط فرات و جز آن می نامند» (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷: ۱۴/۱۸۱).

در کشور ایران اصلی ترین مراکز برگزاری این مراسم پر رمز و راز و باشکوه به طور عمده شهرها و آبادی های اطراف کویر مرکزی ایران است. یعنی از جنوب خراسان گرفته تا سمنان، دامغان، خمین، قم، کاشان، ایبانه، خور و بیابانک، زواره، اردستان، نائین، میناب، و ... در بین این مناطق، بیشترین، گسترده ترین و شاخص ترین نخل ها در استان یزد وجود دارد، به گونه ای که هیچ آبادی ای نیست که در آن یک یا چند نخل وجود نداشته باشد.

۵. تاریخچه نخل حسینیۀ دوازده امام در مهریز

مردم مهریز مردمی مذهبی و با اعتقادات خاص و قوی، به خصوص درباره امام حسین (ع) و مراسم مربوط به ایشان، هستند. در خواب ها و حوادثی که بر ایشان رفته و به اصطلاح عاقبت آن حوادث به خیر گذشته، همه را مدیون عزاداری برای امام حسین (ع) می دانند. همچنان برای نجات از بلایای پیش رو از برگزاری این مراسم برکت و حمایت برای خود می طلبند. امام حسین (ع) نزد مردم، به خصوص مردم این ناحیه، تقدس بسیار بالایی دارد. در عزاداری های محرم نیز نخل، که نمادی از تابوت امام حسین (ع) است، تقدس و احترام خاصی نزد مردم دارد.

شهرستان مهریز دارای سه نخل بزرگ است؛ یکی در حسینیۀ بزرگ مزویرآباد، دیگری در حسینیۀ باغ بهار مهریز و طبق گفته اهالی، بزرگ ترین و قدیمی ترین آنها در حسینیۀ دوازده امام مهریز قرار دارد، که در ورودی مهریز واقع شده است. از آنجایی که مراسم نخل برداری هر سه نخل در ظهر عاشورا انجام می گرفت و تفاوت زمان کمی برای این امر در میان آنها وجود داشت پژوهشگر فقط موفق به شرکت در مراسم نخل برداری حسینیۀ دوازده امام مهریز شد. این حسینیۀ در ورودی اتوبان شهر یزد به مهریز واقع شده است (عکس شماره ۱ و ۲).

۶. ریخت‌شناسی نخل

طبق گفت‌وگویی که با آقای حائری، متولی نخل، برگزار شد، مطالب زیر به دست آمد؛ (عکس ۳)

«نخل حسینیۀ دوازده‌امام مه‌ریز بزرگ‌ترین نخل مه‌ریز است که قدمتی بیش از هزار سال دارد و تا این اواخر در میدان ورودی مه‌ریز قرار داشت و با ساختن این حسینیۀ نخل قدیمی مه‌ریز به آنجا انتقال داده شد. به دلیل طوفان سختی که در سال ۱۳۳۳ به وقوع پیوست، علاوه بر آسیب‌های جدی که به این شهرستان، مردم و اموال ایشان وارد شد، نخل مزبور نیز از آسیب در امان نماند و دچار خسارات زیادی شد، به طوری که اهالی مجبور به بازسازی آن شدند. پایه‌های جدید نخل در همان سال از درخت سرو بزرگی که در میدان ورودی شهرستان قرار داشت و در اثر آن طوفان شکسته شده بود ساخته و نصب شد. بدنه نخل از چوب چنار و پنجره‌ها از چوب گردو بازسازی شد. این نخل بیش از نه متر بلندا، ده متر طول، و نه متر عرض، و حدود شش تن وزن دارد. اتصالات آن از میخ پرچ است که به شیوه آهن‌گری سنتی و به نام «گل میخ» ساخته شده است، به گونه‌ای که این چوب‌ها، با اشکال کشویی نر و ماده با گل میخ، محکم و پرچ می‌شوند. پرچ‌ها در اتصالات بزرگ، بسیار درشت هستند که یادگاری از آهن‌گری سنتی محسوب می‌شود. وزن آنها گاه تا یک کیلوگرم می‌رسد. در ناحیه اتصالات نازک‌تر، پرچ‌ها شبیه میخ‌های امروزی و نسبتاً ظریف هستند. قاعده نخل متشکل از تعدادی الوار چوب گرد است که نسبت به هم با زوایه قائمه به صورت متقاطع قرار گرفته‌اند. اینها به صورت یک قاعده مشبک درآمده و در چهار ضلع آن دسته‌هایی وجود دارد که در واقع، دو سر همان الوارهای چوبی هستند که قدری تراش داده شده‌اند تا بتوان آنها را با دست گرفت و از جا بلند کرد (عکس شماره ۴).

در اطراف نخل، تیر و تیرک‌های چوبی ضخیم و محکمی به طور عمودی قرار گرفته است تا مردم بتوانند به زیر آن رفته و نخل را به گردش درآورند. ضمناً چنانچه در حال حرکت دادن نخل، تعادل حاملان به هم بخورد، تیرک‌های چوبی موجب می‌شود نخل واژگون نشود. چوب‌بست داخل نخل برای کلاف کردن نردبان‌مانندی است که در بین چوب‌بست‌ها وجود دارد. همچنین، برای آن است که اسکلت نگه داشته شود؛ یعنی نخل به سبب اتصالاتش کمتر تکان بخورد.

اعتقاد بر این است که کنگره‌های اطراف نخل ۷۲ تا است؛ به یاد ۷۲ تن شهدای کربلا. البته باید یادآور شد که تعداد کنگره‌ها در این نخل بیش از ۷۲ واحد است. به گفته درودگران اهل فن، باید تعداد کنگره‌ها با محیط هلالی کار جور در بیاید. این کنگره‌ها، هم برای بستن پارچه مشکی، که به اطراف نخل می‌بندند، استفاده می‌شود و هم برای زیبایی. در نخل حسینی دوازده‌امام مهریز، در کناره کنگره‌ها، سبدهای مدوری است که روی آنها نام چهارده معصوم و سپس نام ۷۲ شهید کربلا قرار داده شده است؛ سبدهای مزین به اسامی نیز حدود ۵۰ عدد است، اما متولیان نخل بر آن بودند که تعداد آنها به تعداد ۷۲ شهید کربلا و اسامی چهارده معصوم است (عکس شماره ۵).

اینکه نخل را مشبک می‌سازند به این دلیل است که نخل بادخور داشته باشد. این خود از دلایلی است که موجب می‌شود نخل عمر بیشتری داشته باشد. همچنین، شبکه دارشدن نخل می‌تواند به دلیل سبک ترشدن وزن آن باشد. دیگر آنکه وجود شبکه، بستن آذین‌ها و چراغ‌ها و آئینه‌ها را به نخل سهل‌تر می‌کند. همچنین بین سطوح مشبک برگ‌های نخل و سطح شبکه‌ای دیواره‌های ضریح در مرقد امامان و بزرگان دین، رابطه‌ای بصری وجود دارد. این رابطه بصری حکایت از ارتباط تنگاتنگ این دو موضوع دارد و نشانگر زنجیره اعتقادی است که لزوم به‌کارگیری این نوع از سطوح را در برگ‌های نخل و مرقد جدا از بعد فنی آن توجیه می‌کند. شاید بی‌مناسبت نباشد که آن را نمودی از حالت توسل به پنجره‌های مشبک دانست. به احتمال نزدیک به یقین خود یادآور همان تقدسی است که زیارتگاه‌ها و مرقد امامانمان دارند» (عکس شماره ۶).

در باور عامه، چنان‌که اهالی مختلف، اعم از زن و مرد، به آن اذعان می‌کردند، به طور کلی نخل را نمادی از جنازه سیدالشهدا و نخل‌برداری را نمادی از تشییع جنازه ایشان می‌دانستند.

۷. نخل‌آرایی در حسینی دوازده‌امام مهریز

پیش از نخل‌گردانی، نخل باید تزئین شود. در تزئین نخل فقط بابای نخل حق دارد با اجناس اهدایی مردم به عنوان نذرهایشان، نخل را بیاراید. اگر بابای نخل در آن زمان حضور نداشته باشد، یکی از افراد معتمد و هم‌طایفه او می‌تواند نخل را تزئین کند. همچنین، در تزئین نخل، افراد معتمد و همسر وی می‌توانند کمک کنند. نخل‌آرایی در این

شهرستان دو روز پیش از روز عاشورا انجام می‌شود. ابتدا کمکی‌ها چوب‌بست نخل را طناب‌پیچ می‌کنند تا ساختمان کلی نخل از پای درنیاید و اسکلت نگه داشته شود. علاوه بر این، روی سطح نخل چوب‌بست است تا آینه‌های نصب‌شده بر روی آن مرتب و منظم شود و پیچیدگی‌های سطح نخل، که بر اثر رطوبت و گذر زمان به وجود آمده، مانع یک‌دست شدن ردیف آینه‌ها نشود و همه آنها منظم و مرتب کنار یکدیگر قرار بگیرد.

در نخل‌بندی، آینه‌ها را به وسیله قیت [قید] می‌بندند، به گونه‌ای که منظم و کنار هم قرار گرفته باشند. اطراف آینه‌ها با گل‌های مصنوعی یا برگ‌های سبز سرو زینت می‌بخشند. طرف دیگر نخل را، به علامت عزا، پارچهٔ مشکی با نوشتهٔ «یا حسین» می‌گسترانند. در کنار کنگره‌ها، سبدهای گردی را که خود نمادی است از کلیت و تمام جهان با پارچه‌هایی مزین به نام ائمه اطهار (ع) و سپس نام ۷۲ شهید کربلا به ترتیب از بالاترین نقطه به سمت پایین متصل می‌کنند. بر روی نخل وسیله‌ای به نام «شده» قرار می‌دهند و دور تا دور آن را پارچه‌هایی با رنگ‌های مختلف آویزان می‌کنند. این پارچه‌ها از ندور مردم است و بدین سبب از جنس‌ها و طرح‌های مختلف است. در روز تاسوعا نخل را با پارچه سبز می‌پوشانند. ولی در روز عاشورا چون روز قتل است، پارچه روی نخل باید سیاه باشد.

آقای حائری، متولی نخل، می‌گوید «سبر (sabr سرو sarv)» که شکل نخل است به مثابه قد و قامت حضرت علی‌اکبر است و آن طرفی که آینه‌ها نصب است، به مفهوم حجله‌گاه حضرت قاسم است. در جنگ‌هایی که در زمان‌های قدیم رایج بوده، عَلم و علمداری نیز حضور داشته که علمدار، علمی با پارچه‌های مخصوص و مرتبط با اقوام مختلف شرکت‌کننده در جنگ، در دست داشت و مهم‌ترین وظیفه او برپاداشتن آن در طول مدت جنگ بوده است. در رویارویی سیدالشهدا (ع) با یزید بن معاویه علمدار ایشان حضرت ابوالفضل (ع) بوده‌اند. عَلمی که بر روی نخل نصب می‌شود و به «شده» معروف است، به این مفهوم است که پرچم پیروزی نهضت حسین (ع) هنوز که هنوز است برپا و استوار است.

شکل نخل در این شهرستان به شکل درخت سرو است که نماد شهید، جاودانگی و بی‌مرگی و حیات است. زیرا سرو درختی است که مرگ ندارد و از این‌رو نماد شهید شده است. در خصوص امام حسین (ع)، که خود سرور و سالار شهیدان است، به

گونه ای نمادین این مراسم یادآور جاودانگی ایشان است. مردمان این منطقه چون سایر مناطق دارای نخل، از ساختن نخل جدید اکراه داشتند و فقط زمانی به این کار مبادرت می کردند که نخل قدیمی یا بر اثر حادثه ای چون آتش سوزی از بین می رفت یا در اثر استفاده طولانی و استهلاک شدید، بسیار فرسوده و تعمیرناپذیر می شد. در چنین مواردی، در ساخت نخل از فناوری های جدید، که معمولاً از چوب روسی است، و برای اتصالات آن از پیچ و مهره و واشرهای فلزی استفاده می شود.

در مهریز نیز، همچون سایر شهرستان ها، نخل بندی به نیت تبرک و تیمن به دست شخصی که متولی امور نخل است انجام می گیرد و این وظیفه از نسل های گذشته به نسل های بعدی و حال به آقای حائری رسیده است. یعنی این فیض مقدس امری موروثی است و میان فرزندان ذکور متولی نخل به ارث می رسد.

۸. نخل گردانی در حسینیه دوازده امام شهرستان مهریز

در روز عاشورا، پیش از نخل گردانی، هیئت ها از ناحیه های مختلف شهرستان مهریز دسته دسته وارد حسینیه می شوند و به نشان احترام به نخل به دور آن می گردند و علمداران به همراه علم هایشان تعظیم می کنند. علاوه بر حرکت دستجات مختلف، مراسم شبیه گردانی و تعزیه خوانی، خیمه سوزی و همچنین حرکت کاروانی از تریلی های بزرگ آغشته به خون (مایعی به رنگ قرمز)، که به صورتی نمادین یادآور صحنه هایی از روز عاشورا در کربلا است، پیش از مراسم نخل برداری برگزار می شود (عکس شماره ۷). تعدادی از عزاداران، بنا به حاجاتی که دارند، قبل از برگزاری نخل گردانی به زیر نخل می روند و مشغول خواندن نماز می شوند. زنان و مردان عزادار به محض ورود به حسینیه خود را به نخل می رسانند و به آن ادای احترام می کنند و حتی گاه بر دیواره آن تکیه می دهند و اشک می ریزند و به همراه خواندن دعا حاجت خواهی می کنند (عکس شماره ۸). افرادی نیز گوسفندهایی را برای قربانی کردن در پای نخل می آورند. گاهی نیز گاو و شتر در پای نخل قربانی می کنند.

در میان عزاداران دسته هایی نیز حضور دارند که نخل های کوچک تر را به عنوان نماد تابوت علی اصغر حمل می کنند و به دور نخل بزرگ مهریز می گردانند (عکس شماره ۹). سپس جوانان غیور و قدرتمند به دور نخل جمع می شوند و هر دو نفر به زیر یکی

از الوارها و تیرک‌های محل قرارگرفتن شانه و دست می‌روند تا آن را بلند کنند. بعد از اذان ظهر، عزاداران با پاهای برهنه و باوضو،^۱ با راهنمایی فردی که در بالای نخل قرار گرفته بود و سنج می‌نواخت آماده بلندکردن نخل عظیم مهریز می‌شوند. در این زمان اشعاری در وصف عاشورا و شهادت امام حسین (ع)، سرور شهیدان، می‌خوانند:

غریب و بی‌نوا حسین	شهید کربلا حسین
تنگ است نفس از سینه‌ها	گویا محرم آمده
خون می‌چکد از دیده‌ها	گویا محرم آمده

.....

سپس با خواندن دعای حاجت، ضمن دعا برای سلامتی مریضان و برآورده شدن حاجت حاجت‌مندان، و سلام و صلوات و با اعلام آماده‌باش راهنما،^۲ نخل بر روی دوش نخل گردانان بلند می‌شود و با فریاد صلوات و برداشتن قدم‌هایی هماهنگ و در یک جهت، نخل را در داخل حسینیه به گردش درمی‌آورند (عکس شماره ۱۰).

نخل سنگین بر روی دوش عزاداران یک دور در داخل حسینیه گردانده می‌شود و باز به محل خود، یعنی ستون‌های محل قرار گرفتن پایه‌های نخل، برمی‌گردد و مراسم با سلام و صلوات به انتها می‌رسد و از مردم دعوت می‌شود به صرف نذری‌های روز عاشورا، به مساجد شهرستان بروند.

۹. برخی اعتقادات و باورهای مردم درباره نخل

- باورهای مختلفی در این زمینه وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت است از:
- اگر زن نازایی هنگام حرکت نخل از زیر آن عبور کند، صاحب فرزند و حاجت‌روا می‌شود.
 - اگر کودکی بیمار باشد و هنگام حرکت نخل، وی را از روی نخل عبور دهند، شفا می‌یابد. کسی که بر نخل سوار است این کار را انجام می‌دهد. البته امروزه، اکثر اهالی می‌کوشند کودکان خود را از روی نخل عبور دهند تا آنها همواره سالم باشند.
 - معتقدند اگر در هنگام حرکت نخل در کوچه‌های تنگ و باریک، نخل به دیوار خانه‌ای برخورد کند، اتفاق ناگوار و ناراحت‌کننده‌ای در آن خانه رخ می‌دهد. به

همین دلیل، کسی که بر نخل سوار است باید بکوشد نخل با دیوار خانه‌ای برخورد نکند. در صورتی که نخل با دیوار خانه‌ای برخورد کند، صاحب خانه می‌کوشد برای رفع بدشگونی آن گوسفندی قربانی کند.

- زنان برای برآورده شدن حاجات خود معتقدند باید در شب‌های تاسوعا و عاشورا تا صبح در کنار نخل در حسینیه چراغ نفتی روشن کنند یا در زیر آن نماز حاجت بخوانند.

در هر صورت، فرد با اعتقاد، خود را موظف می‌داند برخی از شیوه‌های عمل را، که جامعه از طریق باورها بر او تحمیل کرده، بپذیرد، و جامعه نیز احساس تبعیت را در آنها برمی‌انگیزد. از آنجایی که جامعه سرشتی خاص خود دارد، که متفاوت از سرشت ما است، هدف‌های خاص خود را هم دنبال می‌کند. اما چون نمی‌تواند جز با واسطهٔ ما، که اعضای تشکیل‌دهندهٔ جامعه‌ایم، به آن هدف‌ها برسد با برپایی مراسم‌ها و مناسک‌هایی از این دست، برای رسیدن به اهداف خود از مردم یاری می‌طلبد.

۱۰. تحلیلی درباره نخل و تابوت

در باور عامه و نخل گردانان نخل ساخته‌شده که در ایام محرم، به‌خصوص روز عاشورا گردانده می‌شود، در واقع نمادی از تابوت امام حسین (ع) است. طبق تعریفی که در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی* آمده است:

تابوت صندوق چوبی یا فلزی است که پیکر مرده را در آن گذارند و با مراسم تشییع به گورستان حمل کنند. در فرهنگ و زبان اقوام عرب واژه «تابوت» به معنای دیگری مانند صندوق نگهداری اجساد قدیسان، جعبه یا محفظه روی گور (صندوق گور)، قفسهٔ سینه، جای نگهداری ذخایر معبد و جز آن نیز به کار رفته است. در مصر به ظرف آب‌خوری و در کلیساهای حبشه به جعبه یا صندوق حاوی کتب و ظروف مقدس نیز تابوت گویند (بلوک‌باشی، ۱۳۸۵: ۱۷۹-۱۸۱).

طبق آنچه در سفر خروج آمده، موسی (ع) فرمان ساختن «خیمهٔ اجتماع»، که عبادتگاه قابل انتقال قوم بنی‌اسرائیل بود و نیز تابوت عهد را از طریق وحی دریافت داشت و پس از آن به وسیلهٔ صنعتگرانی از میان این قوم، که خداوند آنها را تعیین کرده

بود، تابوت را مطابق الگوی وحی شده ساخت. صندوق یا تابوت عهد جعبه‌ای چهارگوش از چوب اقاچیا بود که پوششی از طلای خالص بیرون و درون آن را می‌پوشاند. موسی پس از ساخته شدن تابوت، بقایای شکسته الواحی را که ده فرمان خداوند در کوه سینا بر آنها حک شده بود، و نیز دو لوح جدید را، که ده فرمان بر آنها نوشته شده بود، همراه با کاسه زرینی از من^۳ و نیز عصای هارون، که به قدرت خداوند شکوفه داده بود، در تابوت نهاد و آن را در مقدس‌ترین بخش خیمه عبادت (قدس‌الاقداص) قرار داد و با پارچه‌ای آن را پوشاند. تابوت عهد، از همان آغاز، نماد حضور خداوند و سکینه او در میان بنی‌اسرائیل بود و کلام او را از ورای پوشش تابوت و از میان ابر جلال و شکوه خدا، که در میان دو کروی نهاده بر تابوت ظاهر می‌شد، می‌شنید.

انواع تابوت‌واره‌ها چون عماری، دغدغه، شیدونه، دجله و فرات، حجله، نخل و ...، که در رسای شهیدان، به‌خصوص سرور شهیدان، امام حسین (ع)، در مناطق مختلف در ایام محرم گردانیده می‌شوند، نشان‌دهنده شکوه و عظمت قدسی شهیدان است و تکرار هر ساله عزاداری‌ها در رسای امام حسین (ع) هرچند نشانگر مرگ یک شهید و در اینجا امام سوم شیعیان است اما ضمناً بیانگر جاودانگی و بی‌مرگی امام حسین (ع) یا هر شهید دیگری در اذهان عمومی است. اجرای مراسم‌های مذهبی در جوامع سنتی شکل‌دهنده اندیشه‌های مذهبی، رفتار و کنش مذهبی مردم و توده‌های مردمی است. نخل گردانی و به عبارتی تشییع تابوت امام حسین (ع) و سایر شهدای دینی، بیان مرگ و جاودانه شدن شهدا و تولد دوباره و دوباره ایشان است.

نگارنده در پی گفت‌وگو با چند تن از اهالی یزد و مهریز دریافت که در میان مردم مؤمن استان یزد مشهور است که اولین تابوت برای حضرت فاطمه (س) بنا به خواسته او ساخته شد، بدین صورت که وی پس از آنکه کمرش در میان در و دیوار به دست نامردمان شکسته شد و در بستر بیماری افتاد خواست تا در هنگام مرگ و انتقالش به قبرستان به گونه‌ای او را منتقل کنند که اندام و بدن او از پشت کفن هم دیده نشود. ام‌کلثوم به او قول می‌دهد که چنین کند و پس از شهادت ایشان وی را در جعبه‌ای که بدین‌منظور ساخته شد جای دادند و جابه‌جا کردند و اولین تابوت‌واره بدین‌صورت و برای حضرت فاطمه (ع) ساخته شد.

در اجرای مراسم‌ها و آیین‌های مرتبط با ادیان، شاهد وجود نمادهایی هستیم که به طور قطع حاوی رمز و پیام است. شاید بتوان علت دوام آنها را طی قرون و زمان‌های متوالی به همین سبب دانست. جلال ستاری در کتاب *مدخلی بر رمزشناسی* چنین می‌گوید: «این آیین‌ها و نمادها جهان غیرانسانی و ماورائی را تنها تصویر نمی‌کنند، بلکه فعلیت می‌بخشند، به حضور می‌آورند و به زمان حاضر باز می‌گردانند» (ستاری، ۱۳۷۲: ۳۰). و به‌راستی در خصوص نخل‌برداری در مراسم عزاداری روز عاشورا، شور و هیجان عزاداران، گرداندن شبیه‌ها، تعزیه‌خوانی، و در نهایت حمل نخل به عنوان تابوت امام حسین (ع) می‌تواند همان فعلیت‌بخشیدن به شهادت ایشان و یارانش در این زمان باشد؛ یعنی زنده‌کردن تمام آن لحظات و آنچه بر ایشان رفته است.

گرداندن تابوت‌واره‌ها، حمله‌ها، عماري‌ها یا هر چیز مشابه در عزاداری‌ها و مراسم یا مناسک مذهبی از دیرباز در میان مردم رواج داشته و عزاداران اغلب علت گرداندن این سازه‌ها را در این مراسم به یادگارانیدن این مراسم از پیشینیان و نیاکانشان می‌دانند؛ مراسمی که از گذشتگان به ایشان رسیده و ایشان نیز برپاداشتن و حفاظت از این میراث و سپردن آن به نسل بعدی را یکی از وظایف مذهبی و دینی خود می‌دانند. به‌کاربردن اشیای نمادین در مناسک و مراسم مذهبی معانی ویژه‌ای دارد که درک آنها فقط با معیارهای فرهنگی و دینی و نظام اعتقادی مردم منطقه، و نگرشی به تاریخ اسطوره‌ای و فرهنگ‌های نزدیک به فرهنگ آن منطقه، که امکان درآمیختگی فرهنگی با آن را دارند، میسر است.

اجرای مراسم عزاداری در ایام محرم هرچند رنج و اندوه توده‌های مردم در شهادت امامشان و همدردی ایشان با امامشان است و اظهار اینکه ای کاش ما در آنجا بودیم و امامان را حمایت می‌کردیم، اما ضمناً برکت‌خواهی، سلامت‌خواهی و گشایش در کارها و امورشان نیز می‌تواند از دیگر دلایل حضور در نخل‌برداری و عزاداری در این ایام باشد.

در بین اعضای هر جامعه، حد معینی از توافق در خصوص ارزش‌های رایجی که برای انواع مختلف مضامین قائل می‌شوند، وجود دارد. همچنین، می‌بینیم که بیشتر این ارزش‌های رایج ارزش‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند. مردم شهرستان مهریز نیز، در خصوص محرم و آیین‌های مرتبط با آن، همچون عزاداری‌ها، تعزیه‌خوانی و نیز

نخل‌گردانی ارزش‌های خاصی دارند و سبب به هم پیوستگی و پایداری و پیوند بیشتر آنها می‌شود.

نگارنده معتقد است می‌توان تا حدودی با مشاهده عزاداران و شرکت‌کنندگان در مناسک نخل‌برداری، و از طریق گفت‌وگو با آنها پیامدهای روان‌شناسانه‌ای را که آیین‌ها دارند ملاحظه کرد. کارکرد آشکار در آیین‌ها چیزی است که مسلماً در اذهان اینان حضور دارد، ولی در عین حال دستگاه پیچیده معتقدات جهان‌شناسانه‌ای هم که در این امور معنای خود را می‌یابد، در مخیله ایشان حاضر است. البته شخصی که آیینی را به جا می‌آورد حتی اگر به همان‌گونه که گاهی اتفاق می‌افتد، این کار را به‌تنهایی انجام دهد، احساس رضایت مشخصی از این رهگذر کسب می‌کند؛ رضایتی ناشی از اینکه آیین یا فریضه‌ای دینی را به انجام رسانده است. در واقع، فرد سستی با به‌جا آوردن این‌گونه مناسک، به ایفای آن نقش کوچکی مبادرت کرده که در حفظ نظم کائنات، هم امتیاز و هم وظیفه او به شمار می‌رود. رضایتی که وی بدین ترتیب به دست می‌آورد، این مراسم را برای او ارزشمند می‌کند.

در هر نسلی، گنجی از شناسایی‌ها به افراد آن نسل منتقل می‌شود که برنهاد خود آن نسل نیست و خود آنان در گردآوری‌اش شرکت نداشته‌اند. این نعمت‌های متنوع تمدن را مدیون فرهنگ بازمانده از گذشته‌ایم، و اگر به طور معمول ندانیم سرچشمه آنها در کجا است، دست‌کم این را می‌دانیم که آنها هیچ کدام ساخته دست خود ما نیستند. این میراث بازمانده از گذشتگان ما به صورت نمادین با روح و جان مردم پیوند خورده است و به نسل‌های بعدی انتقال پیدا کرده و می‌کند.



عکس (۱ و ۲): سردر و داخل حسینیه دوازده امام شهرستان مهریز؛ محل فعلی نگهداری نخل
بزرگ مهریز (عکس از نگارنده ۱۳۹۱/۹/۳)



عکس (۳) آقای حائری در حال آماده سازی و تزئین نخل (عکس از نگارنده ۱۳۹۱/۹/۳)



عکس (۴): نخل بزرگ حسینیّه دوازده‌امام مهریز، چوب‌بست داخل نخل، پایه‌های نخل و ستون‌های محل قرار گرفتن شانه‌ها در زیر آن و نخل‌بندان در حال انجام نخل‌بندی (عکس از نگارنده ۱۳۹۱/۹/۳)



عکس (۵): نخل بزرگ حسینیّه دوازده‌امام مهریز یزد با تزئین سبدهای مزین به نام ۱۴ معصوم و ۷۲ یار امام، به همراه شده‌ها و پارچه‌هایی که مردم نذر کرده‌اند (عکس از نگارنده ۱۳۹۱/۹/۳)



عکس (۶): نخل آرایی در شهرستان مهریز، حسینیه دوازده امام (عکس از نگارنده ۱۳۹۱/۹/۳)



عکس (۷): تجمع مردم در حسینیه دوازده امام مهریز، برگزاری تعزیه و شبیه خوانی در حسینیه پیش از نخل برداری (عکس از نگارنده ۱۳۹۱/۹/۵)



عکس (۸): گرد آمدن مردم، به خصوص زنان، به دور نخل برای ادای احترام و حاجت‌خواهی
(عکس از نگارنده ۱۳۹۱/۹/۵)



عکس (۹): گرداندن نخل کوچک‌تر در حسینیه به دور نخل بزرگ حسینیه دوازده‌امام (عکس از
نگارنده ۱۳۹۱/۹/۵)



عکس (۱۰): عزاداران در حال گرداندن نخل در داخل حسینیه دوازده امام (عکس از نگارنده
(۱۳۹۱/۹/۵)

پی‌نوشت‌ها

۱. هرچند اجباری نبود اما بیشترشان می‌گفتند باوضو هستند.
۲. فردی که در جلوی نخل بر روی نخل سوار بود.
۳. خوراک آسمانی که در صحرای «تیه» بر آنها نازل شده بود.

منابع

قرآن کریم.

ابن جوزی ابوالفرج، عبدالرحمن بن علی بن محمد (۱۳۵۹). *المنتظم فی تاریخ الملوک والامم*، حیدرآباد: بی‌نا، ج ۸.

اولثاریوس، آدام (۱۳۶۳). *سفرنامه آدام اولثاریوس*، ترجمه: احمد به‌پور، تهران: انتشارات ابتکار. بلوک‌باشی، علی (۱۳۸۰). *نخل گردانی؛ نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

بلوک‌باشی، علی (۱۳۸۵). *دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴.

دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵). *سفرنامه*، ترجمه: م. همایون فره‌وشی، تهران: انتشارات ابن‌سینا و امیرکبیر.

دلاواله، پی‌ترو (۱۳۴۸). *سفرنامه*، ترجمه: شجاع‌الدین شفا، تهران: نشر کتاب.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۴). *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ج ۲۰.

ستاری، جلال (۱۳۷۲). *مدخلی بر رمزشناسی عرفانی*، تهران: نشر مرکز.

فرانکلین، ویلیام (۱۳۵۸). *مشاهدات سفر از بنگال به ایران*، ترجمه: محسن جاویدان، تهران: نشر بنیاد فرهنگ و هنر ایران.

قاضی‌نسب، مهدی (۱۳۸۵). *فرهنگ و تاریخ مهریز*، قم: نورگستر.

مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۳۶). *نزهة القلوب*، به کوشش: سید محمد دبیر سیاقی، تهران: نشر حدیث امروز.

